

مقایسه ی خسرو و شیرین نظامی با خسرو نامه عطار

فاطمه بیگم سیدعصایی^۱، سید مجید تقوی^۲

^۱دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی

^۲استادیار دانشگاه آزاد مشهد

نام نویسنده مسئول:

فاطمه بیگم سید عصایی

چکیده

منظومه «خسرو و شیرین» یکی از پنج مثنوی مشهور نظامی گنجوی است. در این مقاله ابتدا به شیوه مقایسه ای دو اثر غنایی منظومه خسرو و شیرین نظامی و خسرونامه عطار (مقدمه، متن و نتیجه) مورد تحلیل قرار گرفته است و بر دریافت که هر دو شاعر با بیان احساس درونی خود یکی در قالب توصیف عشق بین دو دلداره و دیگری با تمسک به عشق، شاهراه اصلی رساننده به سرچشمه فیض الهی، از اسرار حاملین امانت الهی پرده بر می دارند مبتنی است. نظامی، شاهزاده ی مرد داستان خود را فردی کامروا معرفی می کند اما قهرمان مرد عطار در آرزوی رسیدن به اصل و سرمنشأ جوهری خود می باشد و در این میان نیروی عشق به مدد او می آید شیرین نظامی شخصیت زنی عفیف و پاکدامن است که مظهر آفاق شاعر است و گل در داستان عطار شهزاده ی احساساتی است که با کشش عشق همگام است و پی جوی وصال به دلبر که در عرصه ی عاشقی مردانه از خطرها استقبال می کند.

وجود دو رقیب شکر اصفهانی و حسنا برای شخصیت های زن در منظومه و فرهاد و پادشاهان خواستار گل مدت زمانی اندک مثلث عاشقی را وارونه جلوه می دهند اما به نوعی عامل تهییج و تسریع اشتیاق در وصال می شوند.

بی گمان اختلاف در صحنه پردازی و شیوه ی توصیف دو شاعر بویژه نظامی داستانسرای بی بدیل و عطار عارف منادی شیدایی طالبان عشق و حقیقت را به نشاط و برخورداری از سحر حلال دعوت می کنند.

و این برآستی هنر عطار و هم رتبه ی عصر خویشست که همگان را شهسوار عشق و عرفان و پیروان حلاج ها نمایند.

واژگان کلیدی: ادبیات غنایی، خسرو و شیرین، نظامی گنجوی، خسرونامه عطار

مقدمه

سخن از بررسی اشعار دو منظومه ی عاشقانه ی « خسرو و شیرین » و « خسرونامه » است که یکی خسرو تاریخی و دیگری خسرو افسانه ی است.

شاعران هنرمند با نظم داستانهای عشقی نتایج عالی و ارزشمند گرفته و پندآموز خوانندگان آثار خویش، در شناخت دنیای فریبنده بوده اند که تشویق به نکویی اخلاق را در راستای رسالت شاعری خود متعهد شده اند. «خسرونامه خیالی» (سحرلال) شیخ عطار و «خسروشیرین» نیمه تاریخی نظامی؛ گویی تاثیر سریان عشق این مایه ی حیات انسانی و رمز کشاکش عاشق با معشوق است و نتیجه ی آشنایی با عشق، گرفتار شدن در محبت و دست و پنجه نرم کردن با موانع وصال اند.

به راستی قهرمان داستان عاشقانه هم می تواند چون فرهادی که نظامی در خلل داستان خسرو و شیرین خود بیان کرده است از مجاز (عشق انسانی) پلی جهت نیل به مقصود بسازد . سروده های شاعرانی چون نظامی و عطار حتی اگر چون اولی از برای اطاعت امر پادشاهی سروده شده باشد لیکن از آنجا که شعر از طبیعت باطنی شاعر سرچشمه می گیرد در نهایت به مردمان همدوست تقدیم می شود. آری هر سروده گویای سرشت نکوی پاک شاعر و نماد نکویی اخلاق اوست. امید آنکه بررسی و تحلیل و مقایسه ی این دو منظومه انسانهای طالب اثر شورانگیز و جذاب را راهنمایی در وجوه تشابه و یا افتراق آنها باشد و در شناخت شاهکارهای ادب فارسی صنعت شهیر شاعران آشنا به فرهنگ ملی و مذهبی ایران، گامی به فراخور برداشته شود.

۱-۱- بیان مساله

داستان خسرو و شیرین نظامی بارها مورد تقلید شاعران پس از او قرار گرفته است و در این مقاله سبک و سیاق توصیف دو سراینده که یکی عاشقی دل سوخته است در توصیف منظومه غنایی خود و دیگری عارفی است شوریده و با ذوق که در مورد عشق نظریه ای تازه را ارائه می دهد و در منظومه ی بظاهر عشقی، اما در باطن عرفانی خود سبب می شود که در این دو داستان چهره ای ماندگار از خود به جای گذارند.

۲-۱- پرسشهای تحقیق

- ۱- اثر متفاوت عطار تا چه حدی مشابه اثر نظامی است و روایتگر، چه مطلبی است؟
- ۲- شیوه هر دو شاعر در صحنه پردازی و توصیف ماجراهای دو عاشق کامروا چگونه است؟
- ۳- پرسش از آنکه شیوه توصیف ماهرانه سرایندهان در به وجدآوری خوانندگان از رویارویی قهرمان عاشق با موانع سر راه خود برای وصال و کاهش بی قراری ناشی از درد عشق چگونه دیگران را به رهروی در این طریق موثر واقع می شود؟

۳-۱- فرضیات

- ۱- به نظر می رسد نظامی از عشق توأم با عفاف شیرین و توصیف حالات عاشقانه ی آن دو (شیرین و خسرو) شیوه ی پردازشی متفاوت از؛ خسرونامه ی عطار را رقم زده است زیرا که در جهت جذب مخاطب اثر نظامی پیشگام است.
- ۲- منظومه ی عاشقانه عطار و نظامی هر دو با مضمونی مشترک بیانگر پیوند روح و جسم انسان با جهان معنوی و رسیدن به دوست حقیقی است و این دو اثر، متجلی «مجاز قنطره الحقیقه» می باشند و تمامت مقصود را با بیان اندرز و وعظ در خلل حالات شورانگیز عاطفی بین دو دلدادۀ ادا می نمایند.

۴-۱- اهداف تحقیق

- ۱- آشنایی بیشتر با ادبیات غنایی و پژوهشی گسترده تر در زمینه منظومه های همسان
- ۲- تحلیل محتوای منظومه های غنایی با رویکرد مقایسه ای در جهت توصیف مغاللات عاشقانه در پناه حوادث روایی
- ۳- بیان وجوه شباهت مثنوی نظامی با منظومه (سحرلال) شوریده ی زمان خویش عطار

۵-۱- پیشینه ی تحقیق

در زمینه پیشینه تحقیق کتب و مقاله های زیادی در زمینه مقایسه منظومه های غنایی موردنظر با دیگر منظومه ها نوشته شده است. مقاله «مقایسه خسرو و شیرین نظامی با وامق و عذرا میرزا محمدصادق نامی» که به مقایسه ی این دو اثر از جهت وجوه افتراق و تشابه آنها پرداخته است (بساک، ۱۳۹۵، پژوهشنامه ادب غنایی، صص ۴۰-۲۷)

مقاله (نقد تحلیلی تطبیقی منظومه خسرو و شیرین و لیلی و مجنون نظامی گنجوی) که به تحلیل این دو منظومه از منظر فرهنگ متفاوت آن دو پرداخته یکی در محیط خشک و دیگری سرشار از طرب (سام خانیانی و دیگران، ۱۳۹۰، پژوهشنامه ادب غنایی) و مقاله «مریم ناکام» عشقی و «عشق کامروای» نظامی و خواجه که در آن اثر «ایده آل» عشقی با شرح مریم ناکام زنی دهاتی رویاروی مردی شهری است و از شیرین کامروای نظامی گوید و همای خواجه که از مرغی شکار نادر و دور پرواز ساکن آسمان و همدم آفتاب سخن گوید. (مسکوب، شاهرخ، ۱۳۷۲، ماهنامه فرهنگی هنری کلک، صص ۵۷-۳۱) و کتبی همچون نور و ظلمت در تاریخ ادبیات ایران تالیف میخائیل ای زند به ترجمه ح.اسدپور پیرانفر که نویسنده ضمن بررسی و نقد مقایسه خسرو و شیرین به مقایسه برخی از آثار نظامی با دیگر اثرها پرداخته و گنجینه گنجوی اثر وحید دستگردی که در این کتاب مقایسه ای از نظامی با برخی از شعرای دیگر است و بهشت سخن تالیف مهدی حمیدی که راجع به بررسی خسرو و شیرین است.

و «مقایسه ی ویس و رامین فخرالدین اسعدگرگانی» که به مقایسه تحلیلی دو منظومه خسرو و شیرین و ویس و رامین با توجه به متن می پردازد.

۲- مبانی نظری

اثر بی نظیر نظامی «منظومه ی غنایی خسرو و شیرین» بارها مورد تقلید شاعران پس از او قرار گرفته است. در این میان سرایندگان منظومه های شیرین و خسرو، شیرین و فرهاد و فرهاد و شیرین از امیر خسرو دهلوی، وحشی بافقی و وصال شیرازی توانسته اند حق مطلب را ادا کنند.

عطار نیز عارفی است مشهور که در وادی عشق شهره ی آفاق است و با چشاندن درد عشق به خوانندگان آثار ذوقی خود؛ عالمی دیگر عطا فرموده و گوینده ی رازی است پنهان با قلمی جاودانه و شورآفرین که معرف ادب غنایی است.

«اغلب موضوع متعارف و مشترک شعر غنایی در ادبیات کشورهای مختلف، عشق است. شعر غنایی یا بیان کنده ی سوز و گداز عاشقانه شاعر است یا بازتاب درد و حرمانی که بر اثر شکست در عشق یابی وفایی معشوق در او بوجود می آید.» (میرصادقی، ۱۳۷۵، ص ۴۸)

شعر توصیفی در دل شعر غنایی جای می گیرد و توصیف و غنا با یکدیگر رابطه ای تفکیک ناپذیر دارند. «یکی از مضامین اصلی ادب غنایی توصیف طبیعت است که همواره کنار مضمون اصلی شعر غنایی دیده می شود، به نحوی که شعرغنایی را می توان شعر توصیفی هم خواند.» (انواع ادبی شمیسا، ۱۳۸۶، ۱۳۹)

« شعر غنایی در تعریف ادبای غرب، شعری کوتاه و غیر روایی است و اگر بلند باشد به آن شعر غنایی نمایشی Dramatic می گویند، زیرا معمولاً شعر وقتی طولانی می شود که متضمن داستانی باشد. از آن جا که در ایران هنر نمایش رواج نداشته است، ما به شعرهای بلند غنایی ادبیات فارسی، شعر غنایی داستانی می گوییم.»

در ادبیات فارسی، چندین منظومه عالی غنایی داستانی وجود دارد مثل ویس و رامین، لیلی و مجنون و خسرو و شیرین که بلند و روایی هستند و داستانی عاشقانه را روایت می کنند. (همان، ۱۳۴)

عشق محور اصلی ادب غنایی است «عشق گفتی و نوشتنی نیست، به وصف و بیان در نمی آید، باید آن را احساس کرد و به ادراک گرفت، باید در چنگالش اسیر شد تا بتوان به فهم آن نایل آمد. عطار در الهی نامه اش حکایتی از پیر عشق الهی، حسین بن منصور حلاج نوشته است که بسیار گویاست و حقیقت عشق و عاشق و معشوق در آن مندرج است.

چو ببریدند ناگه بر سردار	سر و دست حلاج آن چنان زار
بدو گفتند ای شوریده ایام	چرا کردی به خون آلوده اندام
پس او گفت آن که سرعشق بشناخت	نمازش را به خون باید وصف ساخت
که گر از خون وضوی آن نسازی	بود عین غارت تا نمازی
چو مردان پای نه در کوی معشوق	مترس از نام و ننگ هیچ مخلوق
که هر دل کو به قیوم است قائم	نترسد ذره ای از لوم لائم
بیا مردانه در کار خداپاش	کم اغیارگیر و یار را باش
چو گردون گرد عالم چند گردی	ز خود گامی فراتر شو به مردی
بسا شیران که صاحب زور بودند	به زور عشق در چون مور بودند
تو کز موری کمی در زور و مقدار	به پیش عشق چون آبی پدیدار»

(غیائی رضا و عطایی عاطفه، ۱۳۸۴، صص ۷۴ و ۷۵)

« نمونه ی بسیار روشن و زبان دار این طرز سخن سرائی غنایی را در آثار بسیار شیوا و دل انگیز سخن گستر گنجه و مخصوصاً در داستان خسرو و شیرین او که سرتاسر آن را پدران ما با آهنگ توأم کرده و مجالس رامش و شادمانی خود را با آن طرب انگیز تر می ساخته اند می توان یافت»

(صورتگر، ۱۳۴۸، ص ۱۳۵)

آری هر دو شاعر یکی عارف (عطار) و دیگری آشنا به عرفان (نظامی) الحق که در این دو منظومه از طریق قصه گوئی و شرح ماجراهایی افسانه گون از عشق (خسرو و گل) و (آخرین شهریار تاریخ ساسانی و شیرین) که به افسانه پیوسته، حکایتی در خور ادب پارسی و پارسی زبانان آریائی می سرایند.

۳- معرفی نظامی و منظومه ی خسرو و شیرین

شگفتا نظامی که نظام داستانسرایی را کمال بخشید و با نظم داستان «خسرو و شیرین» شور عشقی در همه عالم فکند نظامی، نامش الیاس است با تاریخ تولد ۵۲۶ (به اعتقاد میرعباسی باقرزاده تذکر نویس معروف) و تاریخ فوت او را نیز وحید دستگردی ۶۰۰ تا ۶۰۲ هجری دانسته، مدفن نظامی در شهر گنجه است. «نظامی در افکار عالیه شاعری به مقامی رسید که احدی از شعرای بزرگ آن عصر بدان مقام نایل نشد و باندازه ای معروف و مشهور گردید که یکی از ارکان اربعه ادب بشمار آمد (فردوسی، نظامی، سعدی، انوری).»

(زنجانی، ۱۳۷۴، ص ۱۹)

۴- معرفی عطار و منظومه ی خسرونامه

عطار نیشابوری، شاعر معارف قرن ۶ و اوایل قرن ۷ است که با آثار منظوم خود از هفت شهر عشق خبر داد و از طراوت وجود انسان حامل امانت الهی (عشق) دم زد.

او گویی با اثر متفاوت خود خسرونامه بر روی پلی از مجاز بسوی حقیقت گام برداشته است. «خسرونامه یا گل و خسرو و یا گل و هرمز منظومه ای است منسوب به فریدالدین عطار نیشابوری در شرح عشق گل و خسرو که پس از ماجراهایی عاشق و دلباخته هم می شوند این منظومه ی بلند به سبک داستان پردازی فخرالدین اسعدگرگانی و نظامی گنجوی در ۸۳۶۴ بیت و در بحر هزج مسدس مقصور سروده شده است. اصل داستان بازآفرینی و نظم یکی از افسانه های باستانی به قلم بدر اهوازی است.» (ذوالفقاری، ۱۳۹۴، ص ۳۲۶)

۵- اصل و منشأ هر دو داستان

۵-۱- منشأ داستان خسرونامه

عطار این شیفته ی عشق و دلدادگی در میان مثنویات خود به داستان زندگانی دو شاهزاده هرمز و گل می پردازد و در بیتی که در سبب نظم کتاب به تقریر درآورده از مولف این افسانه ی دیرین یاد می کند:

« که من از بدر اهوازی هم امروز بدست آورده ام نثری دلفروز»

(بیت ۶، ص ۳۱)

۵-۲- منشأ داستان خسرو و شیرین

نظامی این دانای عاشق پیشه در منظومه ی ماندگار خود خسرو و شیرین به داستان پیوند دو شاهزاده خسرو و شیرین می پردازد و در بیتی اشارت به سواد (پیش نویس) این داستان در بردع ناحیه ای از ارمنستان می نماید:

« بیاضش در گزارش نیست معروف که در بردع سوادش بود موقوف»

(بیت ۱۰، ص ۳۲)

۶- سبب نظم کتاب

۶-۱- انگیزه عطار در نظم خسرونامه

عطار این شوریده ی عارف در سبب پردازش کتاب متفاوت از سایر مثنویات خود مصیبت نامه (زادر هروان) و الهی نامه (گنج خسروان) و اسرارنامه (جهان معرفت) و مختارنامه (بهشت اهل دل) و مقامات طیور (معراج جان) می گوید:

« رفیقی داشتم که حاصلی داشت	بجان در کار من بسته دلی داشت
مرا گفتا چو خسرونامه امروز	فروغ خسروی دارد دلفروز
اگرچه قصه یی بس بس دلنواز است	چه گویم قصه گو نه بس دراز است
اگر موجز کنی این داستانا	نماند هیچ خار آن بوستانرا

(بیت ۱۶ الی ۲۰، ص ۳۳)

۶-۲- انگیزه نظامی در نظم خسرو و شیرین

نظامی استاد داستانسرایی در پژوهش این منظومه ی عاشقانه به یاد عشق همسر اول خود آفاق اهدایی از پادشاه دربند بوده است که این مطلب را خود در نتیجه ی افسانه خسرو و شیرین بیان می کند.

درین افسانه شرط است اشک راندن	گلایی تلخ بر شیرین فشاندن
به حکم آنکه کم زندگانی	چو گل برباد شد روز جوانی
سبکرو چون بت قبحاق من بود	گمان افتاد و خود کافاق من بود
همایون پیکری نگر و خردمند	فرستاده به من دارای دربند

(بیت ۱۱ الی ۵، ص ۴۲۹ و ۴۳۰)

۱-۷- تفاوت های دو منظومه

شاعر عطار پس از نعت رسول (ص) و فضیلت گویی بر هریک از خلفای راشدین به ذکر فضائل امامین معصوم حسن و حسین و سپس امام بوحنیفه و شافعی در کتاب خود می پردازد. شاعر نظامی پیرگنجه نیز پس از نعت رسول (ص) در مدح و ستایش ابوطالب طغرل ارسلان و جهان پهلوان اتابک شمس الدین ایلدگز داد سخن می دهد.

این تفاوت نشانگر عدم ارتباط عطار با دربار و درباریان و حاکمان روزگار می باشد که در کتب خاصه ی خویش آنان را به لحاظ عدم دادگری به باد سرزنش می گیرد.

۲-۷- «این منظومه مانند تمام مثنویات عطار مشحون از معانی خوش عرفان و تصوف و مبانی دلکش سیر و سلوکست یعنی از نظم داستان عشقی و افسانه ی خسرونامه نتایجی بزرگ و عالی گرفته و خواننده را با بی اعتباری دنیا آشنا ساخته و او را به دوری از حرص و هوای نفس و بدیها تحریض و تشویق می کند و در سراسر حوادث و سوانح این افسانه درس بردباری و شکیبایی در غم و مصیبت می دهد و در آن فواید راستی، توکل، ترک علایق و کناره جویی از جاه و منال دنیوی که موجب حرمان از درک مقامات اخروی است مندرج است.» (عطار به نقل از سهیلی خوانساری، ۱۳۵، ۴)

۳-۷- مقایسه مکانهای وقوع داستان در دو منظومه

در منظومه ی خسرو و شیرین مکانهای وقوع داستان ناحیه بردع و نواحی چون کوه بیستون و شهر مداین و قصر شیرین و اصفهان و شهر قسطنطنیه می باشد که در زمان وقوع داستان پایتخت ممالک روم شرقی بوده است.

اما در منظومه ی عطار تنها از مکانهایی مثل چین، خوزستان، نیشابور و سپاهان (اصفهان) نام برده شده است.

بطور کلی در منظومه ی خسرو و شیرین نظامی وصف شیرین، بزم مهین بانو به افتخار پرویز و وصف آتش در این بزم زمستانی، وصف اندام شستن شیرین در چشمه، وصف بزم خسر، توصیف و هنر موسیقی دانان نامور و تاثیر موسیقی چشم گیر است اما در منظومه ی خسرونامه ی عطار، صفت جشن خسرو، وصف آلات موسیقی چون چنگ، دف و نای و بریط و ارغنون به تنهایی و وصف یوسف رویی خسرو (هرمز) خواننده را به وجد می آورد.

در منظومه عطار و نظامی سرایندگان برای قهرمانان اصلی زن و مرد رقیب عشقی ساخته اند بطور مثال شکر اصفهانی و مریم رقبای شیرین و فرهاد رقیب عشقی خسروست و از شاهان شهرهای سپاهان و نیشابور به عنوان رقیبان عشقی هرمز (خسرو) نام برده شده است و حسنا و جهان افروز نیز رقبای عشقی گل هستند.

بطور مثال:

یکی شه بود در شهر سپاهان	که بودندی غلامش پادشاهان
نه چندان بزرگی بود او را	که بتوان گفت شرحی زود او را
گل سیراب را خواهندگی کرد	تلف ها نمود و بندگی کرد

(بیت ۱ تا ۳، ص ۵۶)

۴-۷- دایه در داستان خسرونامه عطار دایه ای پیر است که ضمن نصیحت به گل (گلرخ) شهزاد در پی گریه و زاری های سوزناک او در سه نوبت به سراغ هرمز (خسرو) که طی حوادثی از پدر (قیصر روم) جداگشته و در هیئت پسر باغبان روستایی است می رود و با فریب و حیله گری او را به دیدن گل ترغیب و تشویق می نماید.

چومن آن مرغ را بی دانه دیدم	به مشتی دانه در دامش کشیدم
بسی دم دادمش القصه باری	چو راضی گونه یی شد بیمداری
نهادم وعده تا چون شب درآمد	ترا صبحی ز وصل او برآید

(بیت ۱۱، ص ۱۱۶)

اما دایه در داستان خسرو و شیرین نظامی ندیمی خاص به نام شاپور است که با وصف جمال شیرین شاهزاده ی ارمنستان و وصف شبیدیز (اسب وی)، خسرو را از طریق شنیداری، مهر شیرین بر دلش نهاد.

پری دختی، پری بگذار، ماهی	به زیر مقنعه صاحب کلاهی
شب افروزی چو مهتاب جوانی	سیه چشمی چو آب زندگانی

(بیت ۳ و ۴، ص ۵۰)

۵-۷- وجوه افتراق هر دو در متن

الف) با اندک توجه در متن داستان خسرونامه ی عطار وجوه افتراق مبنی بر خواستارانی چند از شاهان اسپهان و چین ونیشابور برای گل برمی خوریم اما در خسرو و شیرین نظامی تنها دلدادگی شیرین به جز خسرو و فرهاد بر ساخته ی نظامی می باشد.

ب) در داستان خسرونامه ی عطار، از نواختن بربط ونوای چنگ، نی و آواز آغانی غزلگوی و ارغنون ساز گفته می شود. و در صفت جنگ - داف- نی و بربط، در صفت جشن خسرو با دوشیره اکدشی (دورگه) گل، سخن به میان است. و در داستان نظامی صحبت از نکيسا و باربد است که نکيسا بر زبان شیرین و باربد بر زبان خسرو بین آن دو مغالزه و سرود خوانی می نمایند.

ج) شرح نامه های خسرو و گل در فراق و جدایی از یکدیگر در مرزهای مختلف و به اسارت رفتن گل است اما شرح نامه های خسرو و شیرین به یکدیگر، در فراق تمکین نکردن شیرین از خسرو بدلیل انتظار به کابین در آمدن اوست از جانب خسرو!

۶-۷- خاتمه در دو داستان

در خاتمه داستان اختلاف در چگونگی حدوث مرگ دو قهرمان عاشق بدینگونه است که در خسرو و شیرین به حوادثی مهم چون کشته شدن خسرو پرویز بدست پسرش و خودکشی شیرین در دخمه کنار جسد خسرو بر می خوریم حال آنکه در خاتمه داستان خسرونامه عطار مرگ شیرین توسط افعی که در کنار چشمه بوده است اتفاق میافتد و گل نیز پس از درد و رنج بسیار از مرگ شوهر خود بی طاقت شده و پگاه دیگر یا فردای آنروز بر سر مزار شوهر جان می سپارد.

نظامی می گوید:

به خون گرم شست آن خوابگاه را جراحات تازه کرد اندام شه را

(بیت ۵، ص ۴۲۳)

زبان حال جهانگیر پسر در مرگ مادر «گل»

پسر میگفت کای مادر کجایی چو دست من فروبست این جدایی
چو آتش آمدی چون دود رفتی بدیدار پدر بس زود رفتی

(بیت ۱۶ و ۱۷، ص ۳۸۷)

۷-۷- اختلاف در سبب نظم

از آنجا که نظامی در نوشتن خسرو شیرین بنای داستانش بر محور اصلی عشق تکیه داشت پس از گفتاری در پژوهش کتاب سخنی چند در عشق و نهایت آن گوید که مایه ی حیات است.

اگر بی عشق بودی جان عالم که بودی زنده در دوران عالم
کسی کز عشق خالی شد فسرده ست گرش صدجان بود، بی عشق مرده است

(بیت ۱۱ و ۱۲، ص ۳۳)

اما عطار که عارفی است شوریده (صوفی پاک باز پس از سبب نظم کتاب و قبل از آغاز داستان اشارت به قلب مومن بین اصبعین از اصابع الرحمن که جایگاه اسرار است.

الا ای جوهر قدسی کجایی نه در عرش و نه در کرسی کجایی
نه در کونین و نه در عالمینی که سرگردان بین الاصبغینی
گرت نقد است دینی دین توداری یکی دلداری بر سیمین تو داری
پس آنجا می که گویم این سخن دان تو آن می بیخودی خویشتن دان

(بیت ۹ و ۱۳، ص ۳۲)

۸-۷- مقایسه نامه ها در هر دو منظومه

در منظومه ی عطار، تنها یک نامه از طرف گل در ۳۰۳ بیت به خسرو در فراق و ناخوشی از اسارت او به دست خادمان شاه سپاهان و دوری از خسرو نوشته می شود نامه یک سویه است و بی پاسخ!

بسی غم دارم و یاری ندارم	دلم خون گشت و غمخواری ندارم
بسی در دست برجان من از تو	که دردت باد در جان من از تو
ز بی رحمی تو تا چند آخر	بدین زاری، مرا میپسند آخر
ج	

(ابیات ۱۹ الی ۲۱، ص ۱۵۲)

اما در منظومه نظامی، خسرو از راه طنز تعزیت نامه ای به شیرین در مرگ فرهاد می نویسد فرهادی می نویسد:

چو دائم سخت رنجیدی زمرگش	که مرد و هم نمی گویی به ترک
چرا بایستش اول کشتن از در	چو کشتی، چندخواهی اندوهش خورد

(بیت ۱۲ و ۱۳، ص ۲۶۴)

و شیرین نیز از راه طنز تعزیت نامه ای به خسرو در مرگ همسرش مریم (دختر قیصر دوم) می نویسد.

عروس شاه اگر در زیر خاک است	عروسان دگر دارد، چه باک است
فلک زان داد بر رفتن دلیریش	که برد آگه ز شاه و زود سیریش

(بیت ۵ و ۶، ص ۲۶۹)

تاثیر دو منظومه در ادبیات و آثار نویسندگان بعد از خود

حسن ذوالفقاری در کتاب یکصد منظومه خود با ذکر نام نویسندگانی چون سعید نفیسی و زرین کوب و احمدعزتی پور که بدلالی چون شباهت نام عطار به عطار تونی و یا عدم عاشقانه سرایی عطار و تاثیرپذیری زیاد از دو منظومه ویس و رامین و خسرو و شیرین که سعی در عدم انتساب خسرونامه به عطار داشته اند چنین می گوید:

«هم چنین نزاری قهستانی در مثنوی ازهر و مزهر (سروده ۷۰۰ق) به شباهت اثرش با خسرونامه و پیروی اش از عطار اشارت دارد:

مرا این داستان کز دست برخاست	گویم کز کدامین مست برخاست
تتبع کرده ی عطار بودم	از آن زین شاخ برخوردار بودم
ز خسرونامه بهتر داستان نیست	که خسرونامه ی او گلستان نیست

(ذوالفقاری، ۱۳۹۴، ۳۲۷)

تقریباً «تمامی گویندگان منظومه های عاشقانه بعد از نظامی در سروده های خود مستقیماً تحت تاثیر منظومه ی خسرو و شیرین و دیگر منظومه های عاشقانه ی او قرار گرفته اند. حتی عده ای چون سلمان ساوجی و خواجهی کرمانی و امیرخسرو دهلوی که هریک به نوبه ی خود از شعرای بزرگ زمان خود بوده اند به تقلید از نظامی به سرودن منظومه هایی به شیوه ی او اقدام کرده و در نام گذاری آنها نیز از سخن سرای بزرگ گنجه پیروی نموده اند که آثاری چون جمشید و خورشید از سلمان، شیرین و خسرو و مجنون و لیلی از امیر خسرو دهلوی و شیرین و فرهاد از وحشی بافقی از این دسته اند.»

(کیانی، ۱۳۹۱، ۱۷۴)

«قبل از نظامی (قرن ششم)، فردوسی نیز این داستان را ساخته بود اما داستان فردوسی مختصر است و جنبه ی تخیلی تاریخی Historical- Fiction دارد. اما نظامی به جنبه های تاریخی توجه نکرده و به تفصیل و با استادی شگفتی به جنبه های غنایی پرداخته است. فی الواقع داستان فردوسی در حیطه زبان ادبی بازسازی کرده است.» (شمیسا، ۱۳۸۶، ۲۰۰)

شباهت های دو منظومه

۸-۱- شباهتهای معنوی و فکری دو داستان سرا نظامی و عطار

«بعضی از این مشابهت ها، شباهتهای معنوی و فکری است که در بین متفکران و زاهدان و عارفان مشترک است از این نمونه است اندیشه جست و جوی مخلوق برای یافتن خالق، چه آسمان و ستارگان، و چه انسان و جماد و ذرات. مثلاً نظامی در خسرو و شیرین: «در استدلال نظر و توفیق شناخت خداوند» این ابیات زیبا را سروده است:

خبرداری که سیاحان افلاک	چرا گردند گرد کعبه خانه؟
در این محراب که معبودشان کیست؟	وزین آمد شدن مقصودشان چیست؟
چه می خواهند از این محمل کشیدن	چه می جویند از این منزل بریدن؟
چرا این ثابت است آن منقلب نام؟	که گفت این را، بجنب، آن را بیارام؟
قبا بسته چو گل در تازه رویی	پرستش را کمر بستند، گویی
مرا حیرت بر آن آورد صدار	که بدم در چنین بتخانه زَنار
ولی چون کرد حیرت، تیز گامی	عنایت بانگ بر زد: که ای نظامی!
مشو فتنه بر این بتها که هستند	که این بتها، نه خود را می پرستند
همه هستند سرگردان چو پرگار	پدید آرنده خود را طلبکار
تو نیز آخر هم از دست بلندی	چرا بتخانه ای را در نبندی؟
چو ابراهیم بابت عشق می باز	ولی بتخانه را از بت بپرداز
نظر بر بت نهی، صورت پرستی	قدم بر بت نهی، رفتی و رستی

(اشرفزاده، ۱۳۸۲، ص ۷۷)

میرزا محمدخان قزوینی در مقدمه ی تذکره الاولیاء عطار گوید:

«عطار هیچ گاه زبان به مدح کسی از ملوک و امراء عصر خود نگشوده است و در تمام کتبش یک مدیحه پیدا نمی شود و خود در اشارات بدین معنی گوید:

به عمر خویش مدح کسی نگفتم

دری از بهر دنیا من نسفتم»

(عطار به نقل از محمدخان قزوینی، ۱۳۳۶، ۵)

اما در منظومه ی خسرو و شیرین، نظامی پس از سابقه ی نظم کتاب در ستایش ابوطالب طغرل ارسلان و سپس ستایش اتابک اعظم شمس الدین ابوجعفر محمدبن ایلدگز و جهان پهلوان ایلدگز و شاه مظفرالدین قزل ارسلان ابیاتی چند سروده است.

۲-۸- شباهت در عقاید عرفانی

نظامی نیز بنابر مشرب عرفان معتقد است با فانی شدن هستی، انسانها حقیقت خدا را در می یابند

نظر دیدش چو نقش خویش برداشت پس آن گاهی حجاب از پیش برداشت

(بیت ۱۷، ص ۳)

نگارنده با (جعفر قلی کیانی) صاحب کتاب «نقد و بررسی و مقایسه ی دو منظومه «ویس و رامین» و «خسرو و شیرین» براین اتفاق نظر است که نظر وحید دستگردی در مقدمه ی در کتاب خود گنجینه گنجوی مبنی بر اشعری بودن نظامی بدلیل بیت بالا جای تامل دارد زیرا تمام عرفا قائل به این امرند که روح پس از ترک خود (نفس) می تواند به مشاهده نایل شود.

« و گروهی تکلف کرده اند اندر اشتقاق شاهد و گفته اند از شهادت مشتق است چنانکه چون شخصی را بینید به وصف جمال و کمال و اگرچه بشریت او را از آن باز کشیده سات و یدار آن شخص او را مشغول نگرداند از آن حال که اندر وی است و صحبت او اندر وی اثر نکند او شاهد او بود بر فناء نفس او و هرکه اندرو اثر کنند، او شاهد او بود اندر بقاء نفس و قیام کردن باحکام بشریت این آن بود کی شاهد بود او را یا بر وی و بدین حمل کند قول پیامبر صلی الله علیه و سلم رایت ربی لیلہ المعراج فی أحسن صورہ [گفت] خدایرا دیدم به شب معراج اندر نیکوترین صورتی، یعنی که نیکو صورتی که [انشب] دیدم مرا مشغول نکرد از دیدار حق سبحانه و تعالی و مراد بدین دیدار رویت علم است نه رؤیت چشم.» (قشیری، ۱۳۸۵، ص ۱۳۲ و ۱۳۳)

وعطار در آغاز کتاب خسرونامه ی خود در ستایش خدا فرماید:

کسی کو محو آن خورشید گردد	فناپی در بقا جاوید گردد
اگر خواهی که یابی آن گهرباز	چو پروانه وجود خویش در باز
اگر قومی پی این راه بردند	چو گم گشتند پی آنگاه بردند
ترا بی خویش به با دوست بودن	که بیخود بودند با اوست بودن

(بیت ۲۰ الی ۲۳، ص ۷ و ۸)

۳-۸- تشابه سبکی خسرونامه با ویس و رامین

« از کتب مشهور و معتبر او نیز جز خسرونامه که از عطار نیست و داستانی منظوم و نوعی تشابه سبکی با ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی و خسرو و شیرین نظامی دارد.» (اشراف زاده، ۱۳۷۳، ۳۱)

۴-۸- شباهت در مجهول بودن زبان اصلی در داستان

معلوم نبودن زبان اصلی هر دو داستان، که شاعران در هیچ یک از ابیاتشان بدان اشاره نکرده اند لکن نظامی در قسمت پژوهش داستان خسرو و شیرین به سواد آن در شهر ارمنستان، اشارت کرده و صورت ترجمه شده اش به فارسی وجود نداشته و نظامی این داستان را از زبان حکیمی شنیده در منظومه خسرونامه عطار نیز اشارت به نثری است که از بدر اهواری بدست آورده است مؤلفی مجهول و نامعلوم که به زبان کتاب نیز اشارتی نمی باشد.

۵-۸- از دیگر شباهتها دو منظومه آغاز هر دو منظومه به نام خداست.

در خسرو نامه گوید:

به نام آنکه گنج جسم و جان ساخت طلسم گنج جان هر دو جهان ساخت

(بیت ۱، ص ۱)

و نظامی نیز در ابتدا منظومه خسرو و شیرین به نام یزدان پاک گشایش درب توفیق خود را در کتابت، کتاب از خداوند می خواهد.

خداوندا در توفیق بگشای نظامی را ره تحقیق بنمای

(بیت ۱، ص ۲)

۶-۸- هر دو شاعر در نعمت رسول اکرم(ص) به معراج پیامبر به شیوه زیر اشارت داشته اند.

در خسرو و شیرین:

سریر عرش را تعلیم اوتاج امین وحی و صاحب سر معراج

(بیت ۱۵، ص ۱۱)

و عطار نیز با نام بردن از قاب قوسین اودانی به معراج پیامبر اشارت نمود.

دو قوس قاب قوسین اول کار یکی شد کامد آن صورت پدیدار

۷-۸- هر دو سراینده نظامی و عطار پس از مرگ دو عاشق مانده به گل در منظومه های خود، از بی وفایی دنیا و محو آثار هستی آنان گویند.

شکفته گل بینی بینی چو خورشید	به سرسبزی جهان را داده آمید
برآید ناگه ابری تند و سرمست	به خون ریز ریا حین تیغ در دست
بدان سختی فرو با رد تگرگی	کران گلبن نماند شاخ و برگگی
چو گردد باغبان خفته بیدار	به باغ اندر نه گل بیند، نه گلزار

(بیت ۱۴ الی ۱۷، ص ۴۱۸)

عجب کاریست کار آمیزاد	که در کم بودگی و در کمی زاد
بدست خود سرشتندش با آغاز	بدست دیودادند آخرش باز

(بیت ۴ و ۳، ص ۳۸۵)

قهرمانان هر دو منظومه چه در سرایش عطار و نظامی پس از سالهای زیاد زندگی به فاصله کمتر از یک شبانه روز جهان را در پی هم وداع می نمایند گویی سعی هر دو نویسنده برآن بوده است که عشق پاک و مقدسی را با عشقبازانی پاک بیان کند.

عطار از زبان هرمرز گوید:

کنون جان می دهم از ناصبوری	که جان دادن بسی به کز تو دوری
(گل) بگفت این و بسر برد این جهان را	به صد زاری بجانان دادجان را

(بیت ۲۲ و ۲۳، ص ۳۸۳ و ۳۸۴)

نظامی گوید:

وز آنجا باز پس گشتند غمناک	نوشتند این مثل بر لوح آن خاک
که جز شیرین که در خاک درشتست	کسی از بهر کس خود را نکشتست

(بیت ۱۷، ص ۴۲۴)

۸-۸- در هر دو منظومه ضعف علّیت به چشم می خورد (کارهایی خرق عادت) چگونه می شود جهان افروز که در منظومه ی عطار خود عاشق است حسنا را به هرمرز بخشد:

جهان افروز حسنا را بدو داد	چو خسرو دید او را تن فرو داد
----------------------------	------------------------------

(بیت ۱۶، ص ۲۰۵)

و یا در منظومه ی نظامی، فرهاد اسب سقط شده شیرین را با سوارش تا قصر بردوش کشد.

چنین گوید کاسب با درفتار	سقط شد زیر آن گنج گهربار
چو عاشق دیدگان معشوق چالاک	فرو خواهد فتاد از باد برخاک
به گردن اسب را با شهسوارش	ز جابر داشت و آسان کرد کارش

(بیت ۳ و ۴، ص ۲۵۳)

۹-۸- اطلاعات موسیقی دو شاعر را می توان از ابیاتی که در مجالس بزم سروده اند دریافت.

عطار در وصف دف و چنگ و نی و بریط گوید و نظامی در بزم آراییی خسرو از صدلحن موسیقی و سی سی لحن باربد (گنج باد آورده، گنج گاه و گنج سوخته و شادروان مروارید و تخت طاقدیس، ناقوسی و اورنگی، حقه ی کاوس، ماه برکوهان و مشک دانه، آرامش خورشید، نیمروز و سبز در سبز، قفل رومی، سروستان، سروسهی، نوشین باده و رامش جان، ناز نوروز (ساز نوروز)، مشکویه، مهرگان و مروای نیک، شبذیز و شب فرخ، و فرخ روز و غنچه کبک دری، نخجیرگان، کین سیاوش، ماکین ایرج و باغ شیرین) گوید.

۱۰-۸- شباهت در افسانه بودن داستان هر دو منظومه از دیرباز «از زمان بسیار قدیم افسانه هایی در باب معاشقه ی خسرو با شیرین نوشته اند و ظاهراً قبل از سقوط دولت ساسانی هم یک یا چند رمان عامیانه راجع به این مطلب وجود داشته است و پاره های آن رمان را در بعضی از متون عربی و فارسی خودای نامگ وارد کرده اند.» (به نقل از رشید یاسمی، ۱۳۸۶، ۳۶۲)

نظامی اشارت به افسانه بودن داستان خسرو و شیرین در دو بیت زیر دارد:

نهادم تکیه گاه افسانه ی را	بهشتی کردم آتش خانه ای را
چو شد نقاش این بتخانه دستم	جز آرایش بر او نقشی نبستم

(بیت ۱۲ و ۱۳، ص ۳۱)

و عطار نیز در آغاز داستان خسرونامه گوید:

چو در افسانه گل بایدت بود	هزار آوا چو بلبل بایدت بود
---------------------------	----------------------------

(بیت ۷، ص ۳۴)

« زمان زندگی عطار نیشابوری مقارن است با زندگی نظامی گنجوی و این دو شاعر مثنوی سرا در شرق و غرب ایران، یکی نوای عاشقانه سر می داد و بزم امیران صاحب ذوق را گرم می کرد و دیگری نای عرفان را در مجلس عارفان به نوا در می آورد تا زیانه کلام دردناک خود را به گرده رهروان راه خدا می نواخت و آنها را به پیش می برد.» (اشرف زاده، ۸۲، ص ۷۴)

۱۱-۸- وصف شب و صبح در دو منظومه

نظامی در وصف شب گوید:

چو آمد زلف شب در عطر سایی	به تاریکی فروشد روشنایی
برون آمد ز پرده سحرسازی	(ماه) شش اندازی به جای شیشه بازی (خورشید)

(بیت ۷۰، ص ۴۷)

عطار در وصف شب گوید:

شبی چون روی زنگی بر سیاهی	رسیده رنگ شب تا پشت ماهی
---------------------------	--------------------------

(بیت ۱، ص ۸۸)

نظامی در وصف صبح گوید:

چو شد دوران سنجافی و شق دوز	سمور شب نهفت از قاقم روز
سر از البرز برزد جرم خورشید	جهان را تازه کرد آیین جمشید
پگه ترزان تیان عشرت انگیز	میان دربست شاپور سحرخیز

(بیت ۳۱ تا ۳۹، ص ۵۹)

و عطار در وصف صبح گوید:

چو صبح این دیبه زربفت گردون	گرفت از کارگاه سبز بیرون
-----------------------------	--------------------------

(بیت ۱۰، ص ۸۸)

از آنجا که عطار شاعری عارف است و در سخن شاعرانه‌ی خود به زبان ایجاز اندیشه‌های دامنه دار عرفانی را جای می‌دهد با ذکر اسطوره‌ی یونس و روایت زندانی شدن او در شکم ماهی به توصیف صبح می‌پردازد:

« عطار در مقام وصف طبیعت نیز از این روایت کمک می‌گیرد و تصویر غروب کردن ماه و روشن شدن خورشید را بدین گونه تصویر می‌کند:»

چو پر بگشاد مرغ صبحگاهی	مه روشن معلق شد به ماهی
به ماهی همچو یونس صید شد ماه	برآمد یوسف خورشید از چاه

(اشرف زاده، ۱۳۷۳، ۳۸۵)

۱۲-۸- هر دو شاعر ابیاتی را درخصوص زیباگشتن شهریاری برشه و مراعات رعیت گویند. عطار در وصف درویشی کردن شاهان و نکوهش ظلم در آغاز داستان متذکر می شود:

از آن زیباست شه را شهریاری	که در شاهی کند درویش داری
ترا از خلق خوش نبود زبانی	چو زر ندهی مکش باری زبانی
زبانی کاب زر از وی چکیدست	جهانی بنده بی زر خریدست
میان زیرکان شاه گرامی	بعدل و خلق گیرد نیکنامی
مکن ظلم وزمن دار این سخن یاد	بترس از آه پیران کهن زاد
نه شمشیر آن تواند کرد و نه تیر	که در وقت سرح آه دل پیر

(ابیات ۱۷ الی ۲۳، ص ۳۵)

و نظامی نیز بر زبان شیرین حذر از آه پیرزن (تیرسحرگه) و دادخواهی مظلومان و نواختن رعیت را به خسرو شاه گوشزد نماید.

حذر کن زانکه ناگه در کمینی	دعای بدکند خلوت نشینی
زنی پیر از نفسهای جوانه	زند تیری سحرگه برنشانه
ندارد سودت آنکه بانگ و فریاد	که نفرین داده باشد ملک بر باد
بسا آینه کاند در دست شاهان	سیه گشت از نفیر دادخواهان

(ابیات ۵ الی ۸، ص ۳۹۸)

۱۳-۸- بطور کلی هردو منظومه در بحر هزج مسدس مقصور یا محذوف سروده شده است که بی گمان در بیان عواطف عاشقانه بحری شادی آفرین است.

و نیز شباهت بین بن مایه های دو منظومه چون بی فرزندی، دایه، افسون، نادیده عاشق شدن، واسطه، پیک، نامه، جنگ، تصویر معشوق، خواستگاری و جان دادن معشوق بر گور عاشق می باشد.

۹- ویژگی های داستانهای منظوم عاشقانه از منظر عناصر داستانی در دو منظومه فوق

به طوری کلی در پیرنگ یا طرح نظامی و عطار رابطه ی علت و معلولی به صورت ضعیف وجود دارد. مثلاً رقیب عشقی شیرین شکر اصفهانی و یا حسنا رقیب عشقی گل.

در شرح وضعیت، نحوه معارفه آن دو متفاوت است. در خسرو و شیرین شنیداری و در خسرونامه دیداری است.

به لحاظ گره افکنی موانع خسرو و شیرین مخالفت موبدان به ازدواج آن دوست. اما در خسرونامه موانع عاشق متعدد است. شاهانی از کشورهای مختلف.

به لحاظ کشمکش یا جدال و درگیری ذهنی، کشمکش عاشق با خود یا با رقیب عشقی در خسرو و شیرین و کشمکش هرمز با شاهان خواستار شیرین می توان اشاره نمود.

به لحاظ تعلیق ایجاد هیجان در خواننده سفرهای پرخطر خسرو به ارمنستان و یا حوادث تخیلی گرفتاری های هرمز در خسرونامه است.

به لحاظ نقطه اوج داستان گذر هرمز از دریاها صعب و درخسرو وجود مریم نیز گره ای است در شیرین و شرط وصال به کابین شیرین است.

در مرحله ی گره گشایی مرگ مریم در خسرو و شیرین و وصال هرمز به گل پس از دفع شاهان سپاهان و نیشابور می توان اشارت نمود. برخی از ویژگی های پی رنگ ضعیف همچون تصویر پری گونه ساخته ی شاپور در خسرو و شیرین و یا وجود اشترمورانی به تنه ی گوسفند در خسرو نامه به چشم می شود.

و قسمت های قابل حذف چون پاسخ دو دل داده در خسرو و شیرین و تمایل هرمز به حسنا نیز حاکی از پی رنگی ضعیف است.

در تقارن یا ساخت دوگانه ی داستان تقابل دل سپاری خسرو به شکر و فرهاد به شیرین و یا گویش نکبسا از جانب شیرین و بارید از جانب خسرو و یا رفتن خسرو به ارمن بی خبر از شیرین و رفتن شیرین به مداین بی خبر از خسرو ... را می توان برشمرد.

در مورد کنش یا عمل در داستان نظامی به نمایی شخصیت عفیف شیرین یا تن کامگی گل در بهره مندی از هرمز می توان اشاره کرد.

در انتها درون مایه و مضمون در هر دو منظومه اصلی ترین درون مایه ها عشق است که عامل غناست.

نتیجه :

نظامی با نظم منظومه خسر و شیرین در سال ۵۷۱ هجری قمری دومین منظومه ی خمسه ی خود را رقم زد. و ماجرای دلدادگی خسرو به شاهزاده خانم ارمنی زمانی که معطر به عطر آفاق دل شده از زندگی گردید، در چشم همه بارانی از اشک را رقم زد.

عارفی شوریده آن سوی صحنه ادبی هم عصر خود با نظم عاشقی خسرو و گل در اثری متفاوت از سایر آثار خود گاه هرمز (خسرو) را عاشقی دلباخته و گاه او را فزون تر از فریدون و جمشید و فزاینده ی شکوه خورشیدی تصویر نمود و گل را نیز هم طراز خسرو با وصفی دلنشین یاد کرد.

حضور اسطوره ای چون فرهاد در داستان خسرو و شیرین عشق عذری را تداعی گر بود عطار نیز حسنا ی تن کام و بی نجیب دل که گل را هجمه ی دیو خویان نمود و بر احساس و عاطفه مخاطب نیش تر زد، آفرید.

اما دیری نپایید که وصف سحرآمیز نظامی و بینش دهدد مانند عطار سرچشمه ی عزت و افتخار ایرانی شد و در توضیح و تفسیر کشاکش های جذبه ی وصال، عشق فراخوان دعوت به میهمانی شرب الهی و نتیجه ای درخور و عارفانه شد.

هرچند در خوانش دو منظومه به تفاوت نگرش های دو سراینده و سبک و سیاق سرایش آن دو از عشق و معرفت و اختلاف در نگارش نامه های خسرو شیرین و گل به طنز در اولی و یک سو یگی آن دیگر بر

می خوریم و صله خواهی نظامی و ظلم ستیزی عطار با حاکمان مشهود است اما شباهتهای توصیفی بویژه نظم منسجم نظامی و ساده گویی عطار مایه ی تحسین آریاییهای پاک منش است.

منابع

- اشرف زاده، رضا، تجلی، رمز و روایت در شعر عطار نیشابوری، چاپ اول، تهران، اساطیر، ۱۳۷۳
- -----، عطار و دیگران، چاپ اول، مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، سخن گستر، ۱۳۸۲
- -----، محرمات سرافراشته وصال، (۲۵مقاله در مورد شاعران و نکات دیرپاب شعر)، چاپ اول، مشهد، سخن گستر، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۹
- الهی قمشه ای، حسین، مقالات، چاپ چهارم، تهران، روزنه، ۱۳۷۸
- بساک، حسن، «مقایسه ی خسرو و شیرین نظامی با وامق و عذرای میرزاحمد صادق نامی»، پژوهشنامه ادب غنایی، شماره ۲۶، صص ۲۷-۴۰، ۳۲.
- خبره زاده، علی اصغر، ادب و اندیشه، چاپ دوم، تهران، آبان، ۱۳۵۶
- دستگردی، وحید، گنجینه گنجوی، چاپ اول، تهران، ارمان، ۱۳۲۰
- ذوالفقاری، حسن، یکصد منظومه ی عاشقانه ی فارسی، چاپ دوم، تهران، چرخ، ۱۳۹۴
- زرین کوب، عبدالحسین، با کاروان اندیشه چاپ اول، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳
- زنجانی، برات، احوال و آثار و شرح مخزن الاسرار نظامی گنجوی، چاپ اول، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴
- سام خانیانی، علی اکبر و ابراهیم محمدی، «نقد تطبیقی ساختار روایی خسرو و شیرین نظامی مثنوی و پدماوت» پژوهشنامه ادب غنایی، شماره ۱۷، صص ۱۳۰-۱۳۹، ۱۰۳.
- شمیسا، سیروس، انواع ادبی، چاپ دوم، تهران، میترا، ۱۳۸۶
- صورتگر، لطفعلی، منظومه های غنائی ایران، چاپ دوم، تهران، ابن سینا، ۱۳۴۸
- عطار نیشابوری، فریدالدین، خسرونامه، به تصحیح احمد سهیلی خوانساری، چاپ اول، تهران، چاپ زوار، ۱۳۳۹
- -----، تذکره الاولیاء، چاپ دوم، تهران، گنجینه، ۱۳۳۶
- غیائی، رضا و عاطفه عطائی، عرفان عاشقانه، چاپ اول، پاژ، مشهد، ۱۳۸۴.
- قشیری، عبدالکریم، رساله ی قشیری، به ترجمه ابوعلی حسن بن احمد عثمانی، با تصحیح و استدرکات بدیع الزمان فروزانفر، چاپ نهم، تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۸۵.
- کریستنسن، آرتور، ایران در زمان ساسانیان، به ترجمه رشید یاسمی، چاپ اول، تهران، سمیر دبیر، ۱۳۸۶.
- کیانی، جعفرقلی، نقد و بررسی و مقایسه ی دو منظومه ی ویس و رامین، فخرالدین اسعد گرگانی و خسرو و شیرین، حکیم نظامی گنجوی، چاپ اول، گرگان، نوروز، ۱۳۹۱
- میرصادقی، جمال، داستان و ادبیات، چاپ اول، تهران، نگاه، ۱۳۷۵
- نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف، خسرو و شیرین، به تصحیح حسن وحید دستگردی، چاپ دوم، تهران، قطره، ۱۳۷۶.
- مسکوب، شاهرخ، مریم ناکام عشقی و عشق کامروایی نظامی و خواجه، ماهنامه فرهنگی ماهنامه هنری کلک، تهران، تیر، ۷۲، شماره ۴۰، صص ۳۱-۵۷.
- ای زند میخائیل، نور و ظلمت در تاریخ ادبیات ایران، به ترجمه ح. اسدپور پیرانفر، چاپ اول، تهران، پیام، ۱۳۵۱

